

بیکار پامیر

فهرست وزرای کابینه افغانستان و امید های کاذب

هما نطور که پروسه انتخابات کرسی ریاست جمهوری افغانستان در سال 2014م پُر از تقلب، دلهره و تشنج فکری، سیاسی و اجتماعی بود، موضوع تعیین وزرای کابینه جدید دولت نیز نه تنها مدت بیشتر از یک صد روز در پرده ابهام باقی ماند، بلکه با انتظارها و درد سر های خاصی نیز همراه بود.

هرچند سخنگویان اشرف غنی و دکتر عبدالله، علت تعلل و کندی جریان تعیین وزرا را " دقت درباره اهلیت و کفایت و ... وزرا " عنوان کردند، ولی، همه دانستند که دلیل عمده و بیسابقه تعلل در اعلام اسامی وزرا، ناشی از اختلافات، کشمکشها و امتیازطلبی های دو تیم شناخته شده به رهبری اشرف غنی و دکتر عبدالله بود.

چنانکه خواننده های عزیز میدانند، عاقبت، اسامی بیست و پنج وزیر حکومت، در جریان هفته رفته به سوی رسانه ها ره پیمود و قرار است وزرای نامزد شده به زودی به مجلس پارلمان افغانستان، غرض حصول رای اعتماد حاضر شوند که البته جریان رای دهی در مجلس هم دیدنی و شنیدنی خواهد بود .

و اما، آنچه در این باره گفتنی است، اینست که گزینش این بیست و پنج تن بحیث وزرای کابینه، چنانکه ملاحظه میشود، اصلاً ارزش آنرا نداشت که یکصد و هفت روز تمام بخاطر آن انتظار کشیده میشد. زیرا از یکطرف برخلاف آنچه از سوی سخنگویان دولتی گفته شده بود، مردم افغانستان نشانه هایی از نبوغ و درایت لازم و قابل انتظار را در وجود نوات شامل فهرست اعلام شده نمی بینند و کدام برتری خاص و علامت خارق العاده یی در شأن آنان دیده نمیشود.

باز، هرگاه احیاناً غنی و عبدالله، حتا نوابغ افغانی و شایسته ترین ها را نیز شامل کابینه میکردند، چندان اثری بالای حال و احوال آشفته سیاسی، اقتصادی، روحی و اجتماعی جاری در افغانستان نمی کرد. زیرا نظام موجوده سیاسی کشور، از بنیاد فاسد و متزلزل بوده حیثیت میراث نا بایی را دارد که از حامد کرزی بجا مانده است .

تا آنجا که فهرست اسامی وزرای نامزد ملاحظه میشود، منحیث نمونه باید گفت که جوان تحصیلکرده و نسبتاً خوشنامی بنام دکتر داوود صبا بحیث وزیر معادن افغانستان مدنظر گرفته شده که خوب است. ولی اگر این وزیر دانشمند و خوشنام نتواند دست تطاولگران زورمند را از غارت معادن مختلف کشور کوتاه کرده و این امانت بزرگ ملی را نجات دهد، آنهمه تحصیل و لیاقت وی به چه درد خواهد خورد؟ یا اگر وزیر دفاع تعیین شده، علی رغم برخورداری از تجارب چندین ساله کاری و تحصیلات نظامی، نتواند از مرزها و تمامیت ارضی مملکت ما حراست بعمل آورد و یا اسباب دفاع از خاک میهن و نوامیس ملی را نداشته باشد، چه سودی برای مردم افغانستان خواهد داشت؟ همان طور، سایر وزرا و وزارتخانه های مملکت.

پس، با صراحت باید گفت که تعیین وزیر یا وزرا و تشکیل کابینه در یک دولت، هر چند رکن مهم و اساسی مکانیسم دولتمداری است، اما وقتی منابع تولیدی، عواید ملی، تجارت وسیع، امنیت جانی و مالی، صداقت در کار، اراده محکم، سیاست آزاد و مستقل و بالاخره، اقتصاد شگوفا در چارچوب جغرافیای کشور وجود نداشته و فساد سر تا پای آنرا فرا گرفته باشد، حتا وجود وزرا و وزارتخانه ها چه منفعتی برای مملکت خواهد داشت؟

حال، وقتی شیوه گزینش و ماهیت سیاسی، قومی و تنظیمی چنین کابینه یی را مدنظر گیریم می بینیم که هر یک از وزرا نه مستقیماً به اهرم دولت یا به شخص اول مملکت، بلکه به رهبران جهادی، به تنظیم های مختلف سیاسی و جناح های قومگرا تعلق داشته و روی مصلحت ها و ملاحظه های خاص قومی - زبانی به صحنه آورده شده اند، هیچ امیدی به تغییر مثبت در اوضاع و بهبود وضع و حال مردم افغانستان در میان نخواهد بود. و یا بعبارۀ دیگر، مادامکه ارگانهای دولتی یک دست نبوده باشد و تمام پیچ مهرهای ماشین دولت یکسان و مطابق به معیار و موازین تخنیکی و باز، بروفق خواستها و برنامه های علمی، میهنی و مردمی عمل نکنند، چگونه مطمئن میتوان بود که همه با یک صدا، یک نیت و یک برنامه معین و مشترک به سود منافع ملی و پیشرفت حیات اجتماعی کشور حرکت کنند؟

وقتی مردم افغانستان اسم صلاح الدین ربانی پسر برهان الدین ربانی رهبر حزب جمعیت اسلامی و رییس جمهور سابق را در فهرست تعیین شده و آنهم بعنوان وزیر امور خارجه افغانستان خواندند، دیگر کاملاً به وجود کشاکش درونی، امتیازخواهی جناحی و عدم دقت در لیاقت و اهلیت وزرا در دولت آقای اشرف غنی پی بردند.

بنابر آن ، باید با صراحت گفت که نه تنها هیچ امیدی از این تعیینات متصور نخواهد بود، بلکه هیچ تحول مثبت و اساسی در زنده گی ملی و اجتماعی مردم افغانستان، لا اقل به این زودی ها رونما نخواهد شد. آنچه گفته آمد، یک بد بینی محض و یا بغض درونی شخص نیست، بلکه واقعیتی است تلخ که نباید از اظهارش اجتناب نمود (پایان)